

آموزه رجعت و تأثیر آن در اختلاف سبک ترجمه‌های قرآنی

محمدحسن امرایی^۱

بهیود ناصری هرسینی^۲

چکیده

از جمله حوادث بسیار مهم دوره ظهور و برقراری حکومت امام زمان علیه السلام، موضوع رجعت می‌باشد که برای امکان وقوع آن به آیات ۸۲ و ۸۳ سوره نمل و نیز آیات ۵۵، ۷۲، ۲۵۴ و ۲۵۹ سوره بقره و آیه ۴۳ سوره ص استناد شده است. به این معنا که افرادی که از این دنیا رفته‌اند، دوباره به آن باز می‌گردند و رجعت نیز از منظر لغوی به همین معنا؛ یعنی بازگشت به دنیا قبل از برپایی قیامت، به کار می‌رود. در فرهنگ دینی شیعه مراد از رجعت بازگشت گروهی از نیکان و انسان‌های فاسق و ظالم به این دنیا، پیش از قیامت است. رجعت با بازگشت انسان‌ها در قیامت تفاوت دارد و طبق روایات در دوران ظهور امام زمان علیه السلام غیر از افرادی که در آن دوره زندگی می‌کنند، عده‌ای از مؤمنان مخلص و کافران مطلق که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند، بر خواهند گشت. این پژوهش بر آن است تا به صورت موردپژوهانه ۴۴ ترجمه فارسی قرآن را از منظر آموزه رجعت در آیات ۸۲ و ۸۳ سوره نمل به بوته نقد و تحلیل ادبی بسپارد تا نشان دهد که مترجمان فارسی قرآن، همانند فولادوند، الهی قمشه‌ای، صفارزاده، گرمارودی، مکارم و جز آن‌ها تا چه حدی این موضوع را در ترجمه فارسی بازتاب داده‌اند. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که فقط در دو ترجمه بلاغی و فیض الاسلام اعتقاد به آموزه رجعت آشکارا بیان شده و در ۱۱ ترجمه دیگر، افزودن قید «همه» در ترجمه، این دو آیه را به قیامت کبری نزدیک‌تر گردانیده است. برخی مترجمان همانند الهی قمشه‌ای گویا در پذیرش یکی از این دو وجه (قیامت - رجعت) تردید داشته‌اند. ۳۰ ترجمه دیگر، مانند: (آسان، آیتی، ارفع و مانند آن) حرفی و تحت‌اللفظی بوده است و مطلبی دال بر مسأله رجعت در ترجمه آنان قابل ملاحظه نیست.

واژگان کلیدی: شیعه، رجعت، سوره نمل، ترجمه فارسی قرآن کریم.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، نویسنده مسئول omararee@yahoo.com

۲- دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه naseryharsynby@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۶

مقدمه

یکی از حوادث مهم هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، مسأله رجعت است، که از جمله عقاید شیعه به شمار می‌رود و در آثار اسلامی بحث‌هایی فراوان درباره آن انجام گرفته است. رجعت برای اولین بار توسط پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تحت عنوان «خروج» مطرح گردید. در روایتی که در ذیل می‌آید حضرت به بازگشت امیرالمؤمنین علیه السلام در آخر الزمان به دنیا اشاره کرده است، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد خوابیده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و او را بیدار کرد و فرمود: ای دابة الله (جنبه خدا) برخیز. یکی از اصحاب عرض کرد: ای رسول گرامی ما مجاز هستیم این اسم را به یکدیگر نسبت دهیم؟ حضرت فرمود: خیر به خدا سوگند که این نام اختصاص به او دارد. و او همان دابة و جنبه‌ای است که خداوند در قرآن فرمود: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» (نمل/۸۲) «هنگامی که قول بر آنان واقع گردد برای آنها جنبه‌ای از زمین خارج می‌کنیم تا با آنان سخن بگویند به درستی که مردم به آیات و نشانه‌های ما یقین نمی‌کنند». سپس افزودند: ای علی علیه السلام هنگامی که آخر الزمان فرا رسد، خداوند تو را در بهترین صورت از زمین خارج می‌سازد و به همراه تو عصایی است که با آن دشمنانت را مشخص می‌کند» (مجلسی، بی تا: ۵۲/۳). با این که متن عربی قرآن برای مترجمان یکسان و مشترک است؛ اما زاویه دید و ذوق هر مترجم با دیگری کاملاً متفاوت است؛ لذا ترجمه‌ها ابعادی مختلف پیدا می‌کنند (معروف، ۱۳۹۱: ۳۱). در این پژوهش سعی شده است نشان داده شود که در ترجمه‌های انجام گرفته از قرآن به زبان فارسی که در یک بازه زمانی به نسبت طولانی نشر یافته‌اند، مسأله رجعت تا چه حد در زاویه دید مترجمان شیعی این کتاب آسمانی در ترجمه آیات ۸۲ و ۸۳ سوره نمل اثر گذار بوده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره رجعت، کتاب‌ها و مقالات زیادی نگاشته شده که برخی از آنها به سده‌های گذشته و برخی دیگر به دوران معاصر باز می‌گردد؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «الرجعة وأحاديثها المنقولة عن آل العصمة»، عنوان کتابی از سید احمد بن محسن از علمای قرن سیزده و از احفاد امام موسی کاظم علیه السلام است که به سال ۱۲۷۷ق نگاشته شده و در آن به اثبات مقوله رجعت از زبان معصومان علیهم السلام پرداخته است.

۲. «بازگشت به دنیا در پایان تاریخ: (تحلیل و بررسی مسئله رجعت) (۱۳۴۹)، عنوان کتابی از خدامراد سلیمیان درباره رجعت و بازگشت برخی مردگان مؤمن و کافر بعد از ظهور امام زمان علیه السلام که به زبان فارسی و در سال ۱۳۴۹ نوشته شده است. از آن‌جا که اعتقاد به رجعت همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده و به‌ویژه دیدگاه عالمان اهل سنت درباره این موضوع مشکلات را دوچندان ساخته، مؤلف، تحقیق واقع‌بینانه و به دور از سطحی‌نگری را درباره این موضوع بر خود فرض دیده و اقدام به تألیف این اثر نموده است.

۳. «رجعت از دیدگاه قرآن، روایات و عقل با تأکید بر آراء علامه طباطبایی» (۱۳۹۳ش) عنوان مقاله‌ای از عنایت الله شریفی و محمدحسین خوانین زاده است که در پژوهش‌نامه معارف قرآنی دانشگاه علامه طباطبایی چاپ شده و در آن به مهم‌ترین دلایل عقلی امکان وقوع رجعت، امتناع ذاتی و امکان وقوعی آن پرداخته شده است.

۴. «بررسی رجعت پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام از دیدگاه قرآن و روایات» (۱۳۹۶ش) عنوان مقاله‌ای از زهره مؤمنی و زهرا پرستکاری است که در سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، در موسسه پژوهشی مدیریت مدبر تهران انتشار یافته است و در آن کوشش شده تا تصویری روشن از رجعت و اعتقاد به مبانی تعالیم دین مبین اسلام و استعانت از قرآن و عترت به عنوان یکی از سنت‌های شریف الهی ارایه شود. محور استنادات در این موضوع، کتاب الهی و سخنان نقل شده از پیشوایان معصوم علیهم السلام است. آن‌گاه به بیان مسائلی در اثبات این موضوع بنابر عقل می‌پردازد. هدف از نگارش این نوشتار، معرفی مفهوم رجعت و بر طرف نمودن شبهات وارد شده درباره این امر مقدس بیان شده است.

۵. «جستاری در مسأله رجعت» عنوان مقاله‌ای از سیده منیره سجادیان است که در آن نگاهی کوتاه به مقوله رجعت از منظر شیعه و اهمیت آن و نیز رجعت در اندیشه اهل سنت و امکان ذاتی آن افکنده شده و به برخی از مهم‌ترین پرسش‌های موجود در این مسئله پاسخ داده شده است.

در هر حال، با وجود تألیف کتاب‌ها و مقالات گوناگون درباره اثبات رجعت و امکان وقوع آن بر اساس قرآن و روایت‌های اهل بیت علیهم السلام در این زمینه تا آن‌جا که نگارندگان این مقاله بررسی کرده‌اند، تاکنون پژوهشی مستقل و جامع با مبحثی ویژه هم‌چون «آموزه رجعت و تأثیر آن در اختلاف سبک ترجمه‌های قرآنی»، مورد بررسی و کنکاش قرار نگرفته است.

۱-۲. روش پژوهش

این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است، به‌طور مشخص، ۴۴ ترجمه فارسی قرآن کریم را از منظر آموزه رجعت و کیفیت بازتاب آن، به‌بوتۀ نقد و تحلیل ادبی سپرده تا نشان دهد که مترجمان این ترجمه‌ها تا چه اندازه به انعکاس آموزه رجعت برای مخاطبان فارسی زبان اقدام نموده‌اند.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

۱. آگاهی مترجمان قرآن از آموزه رجعت و امکان وقوع آن تا چه حدی بوده است؟
۲. آیا مترجمان قرآن به بازتاب رجعت در ترجمه‌های فارسی خود پرداخته‌اند؟
۳. آیا مترجمان، توانسته‌اند معادل‌یابی دقیق و درستی از آموزه رجعت در ترجمه‌های فارسی خود، ارایه دهند؟

۱-۴. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش نیز از این قرار است:

۱. نوع نگرش علمی و مذهبی مترجمان قرآن به آموزه رجعت از سوی برخی متفاوت بوده و همین موضوع سبب نگاهی متفاوت به کیفیت برگردان آموزه رجعت شده است.
۲. برخی مترجمان به بازتاب رجعت در ترجمه‌های فارسی خود پرداخته‌اند، با این حال، برخی مترجمان هم با دید تردید و شک به امکان وقوع این مسأله نگریسته و برخی دیگر نیز به ترجمه آموزه رجعت و یا حتی تفسیر آن در داخل پراتنز، کروش و جز آن اقدام نکرده‌اند.
۳. بیش‌تر مترجمان در برگردان رجعت و توضیح آن در ترجمه‌های فارسی ترجمه‌ای همسان و معادل با زبان مبدأ ارایه کرده‌اند و هیچ مطلبی دال بر آموزه رجعت در ترجمه آنان وجود ندارد.

۲. معنا و مفهوم رجعت

رجعت از نظر لغوی به معنای «بازگشتن» است (طیبیان، ۱۳۶۷: ۱/۱۰۵۰)، در قرآن کریم آمده است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) «ما از خدا هستیم و به‌سوی او باز می‌گردیم». و در اصطلاح علم کلام «رجعت از عقاید معروف شیعه می‌باشد و تفسیر آن در یک عبارت کوتاه چنین است: «بعد از ظهور مهدی علیه السلام و در آستانه رستاخیز گروهی از مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسیار شرور به این جهان بازمی‌گردند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۵۵/۱۵) و این دورنمایی از رستاخیز است که پیش از

قیامت در همین عالم اتفاق می‌افتد (بالا دستیان، ۱۳۸۷: ۱۹۴). خلاصه این‌که بازگشت گروهی از مؤمنان خالص و کافران ستمگر به این جهان پیش از قیامت، رجعت نامیده می‌شود.

۳. فلسفه و هدف رجعت

در روایات و احادیث دو علت اصلی برای رجعت مطرح شده است:

۱. خداوند مؤمنان را بر می‌گرداند تا چشمانشان با دیدن دولت حق روشن شود. همان دولت حقی که آرزوی دیدنش را داشته‌اند. «گروه بسیاری از اولیا و دانشجویان مکتب قرآن به اراده کبریایی زنده شده به دنیا به‌طور موقت بازخواهند گشت به‌منظور این‌که نصرت و یاری دهند قائم آل محمد علیه السلام را و به مقامی ارجمند نایل شوند، هم چنان‌که در زندگی از پروردگار همین درخواست را می‌نمودند پروردگار انجام خواهد فرمود» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۶۹/۱۲).

۲. کفار برگردانده می‌شوند تا پیش از این‌که در قیامت به ذلت ابدی گرفتار شوند در همین دنیا طعم و مزه خواری و ذلت را بچشند. «گروهی از دشمنان و معاندان در آن زمان زنده شده به دنیا بازخواهند گشت تا از آنان انتقام گرفته شود» (همان).

و نیز در رجعت، اهداف بلند دیگری وجود دارد؛ از جمله: ۱- نشان دادن جلال و شکوه واقعی اسلام و سرافکنندگی کفر؛ ۲- تحقق بخشیدن به آن قسمت از آرمان‌های انبیا و امامان بزرگوار علیهم السلام که در حیات اولیه خود به آن نرسیدند و آن حضور در جامعه‌ای کاملاً صالح و موحد است.

۴. جایگاه رجعت در عقاید شیعه

رجعت از عقاید مسلم شیعه و احادیث و روایات آن متواتر است. حر عاملی بیش از ۵۰۰ حدیث در کتاب «الإيقاظ» درباره رجعت نقل کرده است. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَاقِبَةٍ، وَ هِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجَعُ إِلَّا مَنْ مَحَّضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا، أَوْ مَحَّضَ الشَّرْكَ مَحْضًا» (مجلسی، بی‌تا: ۳۹/۵۳). «رجعت عمومی نیست؛ بلکه جنبه خصوصی دارد، تنها گروهی بازگشت می‌کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند». از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ۸۳ سوره نمل پرسش شد، فرمود: «مردم در مورد این آیه چه نظری دارند؟» پاسخ دادند: «مردم می‌گویند این آیه در مورد قیامت است.» امام فرمود: «آیا خداوند در قیامت گروهی از مردم را بر می‌انگیزاند و گروهی دیگر را رها می‌کند؟ این‌گونه نیست، این آیه درباره رجعت است» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱۰۰/۴؛ مجلسی، بی‌تا: ۶۰/۵۳). از آن‌جا که اعتقاد به رجعت مختص شیعه است و سایر مذاهب اسلامی به آن اعتقاد ندارند، پیوسته یکی از

موضوعات کلامی مورد اختلاف مذاهب شیعه و سنی بوده است. البته باید توجه داشت «شیعه در عین اعتقاد به رجعت که آن را از مکتب اهل بیت علیهم السلام گرفته است، منکران رجعت را کافر نمی‌شمرد، چرا که رجعت از ضروریات مذهب شیعه است، نه از ضروریات اسلام». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۵۶۱)

۵. امکان و وقوع رجعت

در قرآن، وقوع رجعت در مورد پنج امت از امت‌های پیشین آمده و با صراحت نسبت به بازگشت مردگان به این دنیا قبل از قیامت کبری گفت‌وگو نموده است. به‌عنوان نمونه در آیه‌های ۵۵ و ۵۶ سوره بقره مسأله بازگشت ۷۰ نفر از پیروان حضرت موسی علیه السلام به این دنیا مطرح شده است: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تُنظَرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، «و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد مگر این که خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم! پس صاعقه شما را گرفت در حالی که تماشا می‌کردید. سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم شاید شکر (نعمت او را) به‌جا آورید». و نیز در آیه ۲۵۹ سوره بقره، خداوند به داستان عزیر علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ»، «یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقف‌ها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوان‌های اهل آن، در هر سو پراکنده بود او با خود) گفت: «چگونه خدا این‌ها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام)، خدا او را یکصد سال میراند سپس زنده کرد». هم‌چنین سید مرتضی از بزرگان شیعه در ذیل ماده رجع چنین می‌گوید: «دلیل بر صحت رجعت این است که هیچ عاقلی نمی‌تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند؛ چرا که این، مسأله محالی نیست، در حالی که بعضی از مخالفین ما چنان این موضوع را انکار می‌کنند که گویی آن را محال و غیر ممکن می‌شمردند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۵۵۵). پس «شکی نیست که امر رجعت اموات از اشرار و اختیار امری مقدر و امکان‌پذیر است» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۶۹/۱۲). هم‌چنان که «پروردگار نظایر آن را در باره امت‌های گذشته اجرا فرموده است». (همان)

۶. رجعت در قرآن کریم

در آیه ۸۳ سوره نمل «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بَيِّنَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ» مسأله به این شکل مطرح شده است که گروهی از مردم در آن روز زنده می‌شوند و از همین‌جا معلوم می‌گردد که آن روز،

روز قیامت نیست؛ چرا که در روز قیامت قرار است که همه زنده شوند نه بخشی از انسان‌ها. با توجه به این که «بعضی افراد کفار محشور می‌شوند نه همه مردم، بنابراین مفاد آیه صفت روز قیامت نیست که مجمع عمومی بشر از اولین و آخرین است» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۶۹/۱۲). «مفسرین عامه تفسیر کردند به «یوم القيامة» لکن این تفسیر خلاف صریح قرآن است و در اخبار بسیاری از ائمه علیهم‌السلام استشهاد فرموده‌اند به آیه شریفه «وَحَسْرَتُنَا لَهُمْ، فَلَمْ نُغَادِرْ لَهُمْ أَسَدًا» (کهف/۴۷) که در قیامت تمام جن و انس حتی وحوش محشور می‌شوند و احدی باقی نمی‌ماند و این آیه می‌فرماید از هر امتی فوجی محشور می‌شوند و این دلیل واضح است بر رجعت و مسأله رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و منکر آن از ایمان خارج است و اخبار رجعت از متواترات است» (طیب، ۱۳۷۸: ۱۹۰/۱۰) «در تفسیر فخر رازی در ذیل این آیه گفته شده است: مراد از این حشر، حشر عذاب است، بعد از حشر کلی، که شامل همه خلق می‌شود و این حشری است بعد از حشر. لیکن این حرف درست نیست و اشکال را بر طرف نمی‌سازد، برای این که اگر مراد، حشر برای عذاب بود لازم بود غایت (برای عذاب) را ذکر کند تا مبهم نباشد، هم چنان که در آیه نوزدهم سوره حم سجده «وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُوهَا» «روزی که دشمنان خدا به سوی آتش محشور شده، در آن‌جا حبس می‌شوند، تا وقتی که به درون آتش درآیند»، در این آیه شریفه غایت ذکر شده است، با این که بعد از این آیه هم به جز عتاب و حکم فصل، ذکری از عذاب نیامده و آیه شریفه مطلق است، و در آن هیچ اشاره‌ای نیست که بگوییم مقصود از آن، این حشر خاصی است که ذکر شد و این اطلاق را آیه بعدی بیش‌تر می‌کند، که می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا» تا آن که بیایند و نمی‌فرماید: بیایند عذاب را یا آتش را یا چیزی دیگر را. باز مؤید گفتار ما - که منظور حشر در قیامت نیست - این است که این آیه و دو آیه بعد از آن بعد از داستان بیرون شدن دابة از زمین واقع شده‌اند که خود یکی از علایمی است که قبل از قیامت واقع می‌شود، قیامتی که در چند آیه بعد درباره آن می‌فرماید: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ» و تا چند آیه بعد اوصاف وقایع آن روز را بیان می‌کند، و معنا ندارد که قبل از شروع به بیان اصل قیامت و وقایع آن، یکی از وقایع آن را جلوتر ذکر کند، چون ترتیب وقوعی اقتضا می‌کند که اگر حشر فوج از هر امتی هم جزو وقایع قیامت باشد آن را بعد از مسأله نفخ صور ذکر فرماید، ولی این طور ذکر نکرد، بلکه قبل از نفخ صور مسأله حشر فوج از هر امتی را آورده، پس معلوم می‌شود این حشر جزو وقایع قیامت نیست. به همین جهت است که می‌بینیم بعضی از مفسرانی (آلوسی در تفسیر روح المعانی) هم که آیه را حمل بر حشر در قیامت کرده، متوجه این اشکال شده و گفته‌اند: شاید جلوتر ذکر کردن این واقعه

بر نفع صور و قیام قیامت، برای این بوده که اعلام کند هر یک از این دو؛ یعنی نفع صور و حشر هر فوجی از هر امت، آن قدر مهم هستند که جا دارد احوال آن‌ها جداگانه مورد توجه قرار گیرند و گر نه اگر می‌خواست ترتیب رعایت شود باید اول نفع صور، بعد حشر فوج از هر امت ذکر شود، چیزی که هست اگر ترتیب رعایت می‌شد خواننده خیال می‌کرد هر دو یک داهیه است. لیکن خواننده توجه دارد که این وجهی ساختگی است که به هیچ وجه قانع کننده نیست و اگر مقصود از آیه همین می‌بود، جا داشت به جای دفع توهم مزبور که این مفسر آن را توهم کرده، توهمی مهم‌تر از آن را دفع می‌کرد و آن این است که کسی توهم کند که حشر فوجی از هر امت در غیر روز قیامت است و برای دفع این توهم، اول مسأله نفع صور را بیاورد، بعد حشر فوج از هر امت را تا کسی خیال نکند حشر مذکور در غیر قیامت است، آن گاه بعد از آن جمله‌ای بیاورد تا توهم مفسر نامبرده را رفع کند. پس معلوم است که آیه شریفه نمی‌تواند مربوط به وقایع قیامت باشد، بلکه از حشری خبر می‌دهد که قبل از روز قیامت واقع می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۵۶۹).

۷. بررسی آموزه رجعت در ترجمه‌های فارسی دو آیه ۸۲ و ۸۳ سوره نمل

«وَإِذَا وَقَع الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عُلَمَاءُ» (نمل/ ۸۲-۸۳)

«امامیه که معتقد به صحت رجعت هستند به این آیات استدلال کرده‌اند؛ زیرا می‌گویند: از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم. معلوم می‌شود روزی که این گروه‌ها از هر امتی محشور می‌گردند، غیر از روز قیامت است» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۴۵/۱۸). با بررسی و تحلیل انجام شده بر روی چهل و چهار ترجمه قرآن به زبان فارسی از مترجمان فارسی زبان شیعی که قدیمی‌ترین آن‌ها مربوط به قرن ششم هجری است، مشخص گردید که مسأله رجعت، در ترجمه‌های صورت گرفته از آیات ۸۲ و ۸۳ سوره نمل را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

۱-۲. دسته اول: مسأله رجعت در ترجمه آنان مطرح نشده است

در ترجمه‌های «انصاریان، برزی، بروجردی، پورجوادی، جوامع الجامع، حداد عادل، خسروی، فولادوند، کاویانپور، مخزن العرفان و نوبری» مشخص نیست که منظور از «گروه‌های دیگر، همگی آمده، تا همه ببینند، همه (به پای حساب) می‌آیند، کافران، همه کافران و همگان» چه کسانی هستند، آیا منظور از همه و همگان، افراد برگزیده از قوم و ملت اشاره شده در این آیه است «مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»

یا تمام کافران؟ در صورت اول در این آیه سخن از روزی است که در آن گروهی از مردم برانگیخته می‌شوند، بنابراین اشاره به روزی غیر از قیامت دارد و شیعه از آن تعبیر به «رجعت» می‌کند و در صورت دوم در آیه سخن از روز قیامت است که در آن همه انسان‌ها از اولین و آخرین محشور می‌شوند. نکته قابل توجه در این ترجمه‌ها آن است که مترجمان یاد شده، این قیده‌های کمی: «گروه‌های دیگر، همگی، همگان و جز آن‌ها» را بر چه مبنایی به ترجمه خویش افزوده‌اند؟ و هم‌چنین ذکر این نکته ضروری است که مرجع ضمیر در «جاؤوا»، اسم جمع «فوج» است.

برای رعایت اختصار به ذکر سه نمونه از این دسته ترجمه‌ها بسنده می‌کنیم:

بروجردی: «روزی می‌رسد که ما از هر قوم و ملتی که آیات ما را تکذیب می‌نمودند گروهی را رجعت داده و برانگیزانیم و آن‌ها بازداشته خواهند شد. چون همگی آمده و حضور یافتند به ایشان گفته می‌شود شما که آیات مرا تکذیب نمودید و احاطه علمی به آن حاصل نمودید اینک کیفر عصیان و خلاف آن‌چه که کرده‌اید، می‌بینید.» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۶۸۳)

حداد عادل: «و روزی فرا رسد که از هر امت، دسته‌ای را که آیات ما را دروغ می‌شمارند محشور سازیم، و آنان را (تا رسیدن دیگران) گرد هم می‌آورند و نگه می‌دارند. تا آن‌هنگام که (همگان) فرا رسند و خداوند فرماید آیا آیات مرا، بی آن‌که از آن‌ها آگاهی کامل داشته باشید، دروغ می‌شمردید؟ (هیچ می‌دانید) چه می‌کردید؟» (حداد عادل، ۱۳۹۲: ۳۸۴)

فولادوند: «و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند، محشور می‌گردانیم پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم ببینند. تا چون [همه کافران] بیایند، [خدا] می‌فرماید: «آیا نشانه‌های مرا به دروغ گرفتید و حال آن‌که از نظر علم، به آن‌ها احاطه نداشتید؟ آیا [در طول حیات] چه می‌کردید؟» (فولادوند، ۱۴۱۵: ۳۸۴)

۲-۷. دسته دوم: مسأله رجعت در ترجمه آنان مطرح شده است

این دو آیه در ترجمه‌های «سید عبدالحججه بلاغی و فیض الاسلام» کاملاً بر مبنای اعتقاد به رجعت، ترجمه شده‌اند و ترجمه آن‌ها مؤید و در برگیرنده اعتقاد شیعه به رجعت است. فیض الاسلام پس از ترجمه این آیه، مسأله رجعت را به صورت موجز مطرح می‌کند و به شبهه «منافات داشتن رجعت با تکلیف» پاسخ می‌دهد. در زیر به ترجمه‌های آنان پرداخته می‌شود:

بلاغی: «و آن روز که (مهدی ظاهر می‌شود) ما از هر امتی جمع کنیم گروهی را از آنان که آیات ما را تکذیب می‌کنند، پس آنان به صفوف منظم در آورده شوند تا آن که به پیشگاه دابة من الأرض (جنبده‌ای از زمین) برسند، خطاب الهی در رسد که آیا پیامبران و معالم دین مرا تکذیب کردید و احاطه علمی به آن‌ها پیدا نکردید؟ (ندانستید و ندانسته دروغ شمردید) آیا شما چه می‌کردید؟ (که از این کار لازم‌تر بود!)» (بلاغی، ۱۳۸۶: ۹۰)

فیض الاسلام: «و (ای محمد ﷺ) یاد کن روزی را که (در دنیا پیش از قیامت) از هر امت و گروهی (از مردم) دسته‌ای از آنان که آیات ما را تکذیب می‌کنند و دروغ می‌دانند، گرد آوریم (زنده گردانیم) پس ایشان (تکذیب کنندگان هر کدام در مرتبه و پایه خود) بازداشته شوند (ناگفته نماند: علماء و دانشمندان بزرگ ﷺ گفته‌اند: مراد از *وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا* حشر و گرد آوردن در دنیا می‌باشد، نه در قیامت، و این آیه درباره رجعت و بازگشتن برخی از مردگان است به دنیا پس از ظهور و آشکار شدن قائم آل محمد ﷺ؛ زیرا *نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا* «از هر گروهی دسته‌ای را گرد می‌آوریم» دلیل بر آن است که بعضی را گرد می‌آورند، و برخی را گرد نمی‌آورند، و در قیامت همه را حشر نموده و گرد آورند، چنان که در آیه ۴۷ سوره کهف فرموده: *وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا* «و آنان را گرد می‌آوریم و یکی از ایشان را ترک نکرده و رها نمی‌کنیم» و احادیث بسیار از معصومین ﷺ رسیده که پیش از قیامت در زمان حضرت حجت ابن الحسن العسکری ﷺ گروهی از مردم برای مصلحتی به دنیا باز می‌گردند، و بر عاقل و خردمند آشکار است که این کار ممکن بوده و می‌شود که بشود، و وابسته به قدرت و توانایی خدای تعالی است، و خدای عزّ و جلّ در امت‌های گذشته نیز چنین کرده، چنان که داستان عزیر ﷺ و جز آن که در قرآن کریم بیان شده دلیل بر آن است، و برخی از مسلمانان رجعت را انکار کرده و نپذیرفته‌اند و اخبار آن را به رجعت و بازگشت دولت و چیزی که یک بار برای کسی است، و یک بار برای دیگری تأویل و تفسیر نموده‌اند، نه به رجعت اشخاص؛ زیرا رجعت اشخاص با تکلیف منافات دارد، با این که آیات و معجزه‌های آشکار؛ مانند شکافتن دریا و اژدها شدن عصا و جز آن منافی تکلیف نبود، و امت موسی ﷺ را به ایمان آوردن به او و اदार نساخت، پس رجعت اشخاص نیز اشخاص را و اदार نخواهد نمود به این که به امامت و پیشوایی ائمه معصومین ﷺ اقرار کنند تا با تکلیف منافات داشته باشد) تا هنگامی که (پس از رجعت به دنیا و پس از دوباره مردن و زنده شدن در قیامت برای حساب و رسیدگی به کارها) بیایند، خدای تعالی (یا فرشته‌ای از جانب خدای عزّ و جلّ از روی سرزنش) فرماید: آیا آیات مرا تکذیب کردید و دروغ دانستید، در حالی که از

روی علم و دانش به آن‌ها احاطه نداشتید، آیا (پس از آن‌ها فکر ننموده و نمی‌اندیشید جز کفر و تکذیب و معصیت) چه می‌کردید؟ (چاره‌ای ندارند مگر آن‌ها که بگویند: جز آن‌ها کاری انجام ندادیم).» (فیض الاسلام، ۱۳۷۸: ۷۶۵)

۳-۷. دسته سوم: ترجمه‌ای تفسیرگونه و مردد از آموزه رجعت ارایه کرده‌اند

در ترجمه تفسیرگونه «الهی قمشه‌ای»، مترجم همراه با افزودن قیدهای «به عرصه قیامت» و «رجعت به دنیا در ظهور امام عصر» به ترجمه، در این‌که این آیه ناظر بر روز قیامت است یا روزی غیر آن، نشان می‌دهد که مردد بوده است. هرچند که با آوردن عبارت «تا آن‌گاه که همه باز آیند» در ترجمه آیه ۸۴، گویا ناظر بودن این آیه بر قیامت را بیش‌تر پذیرفته است:

الهی قمشه‌ای: «و (ای رسول، امت را به یاد آر) روزی که (به عرصه قیامت یا رجعت به دنیا در ظهور امام عصر عجل‌الله‌فرجه) از هر قومی یک دسته را که تکذیب آیات ما می‌کنند برمی‌انگیزیم و آن‌ها (برای سؤال) باز داشته خواهند شد تا آن‌گاه که همه باز آیند خدا به آن‌ها بفرماید که آیا آیات مرا که به آن احاطه علمی نیافتید، تکذیب کردید یا آن‌که در مقام عمل (با آن آیات) چه می‌کردید؟» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۸۴)

۴-۷. دسته چهارم: مانعی برای استنباط معنای «رجعت» در ترجمه آنان وجود ندارد

در ترجمه‌های «آسان، آیتی، احسن الحدیث، ارفع، اشرفی، المیزان، پاینده، بیان السعادة، جاوید، حلبی، خواجوی، رضایی، رهنما، روان روشن، روض الجنان، سراج، شعرانی، صفار زاده، صفی‌علیشاه، طاهری، عاملی، فارسی، گرمارودی، گلی از بوستان خدا، مجتبوی، مشکینی، مصباح زاده، معزی، مکارم ویاسری»، قیدی از قیودی که در ترجمه‌های دسته اول وجود داشت، به ترجمه افزوده نگردیده است؛ لذا با استفاده از قرینه‌های دیگر، مانعی برای افاده معنای «رجعت» وجود ندارد. در این‌جا به ذکر پنج نمونه از این دسته ترجمه‌ها بسنده می‌کنیم:

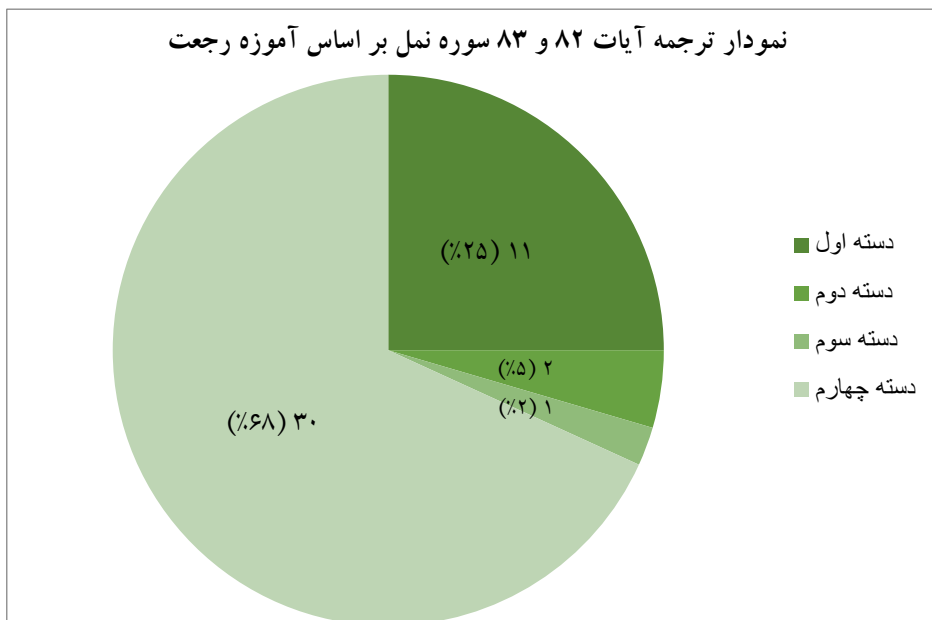
آیتی: «روزی که از هر ملتی فوجی- از آنان که آیات ما را تکذیب می‌کردند- گرد می‌آوریم و آنان را به صف برانند تا چون به محشر برسند، گوید: آیا شما آیات مرا تکذیب می‌کردید و حال آن‌که دانش شما به آن احاطه نیافته بود؟ آن چه کاری بود که می‌کردید؟» (آیتی، ۱۳۷۴: ۳۸۴)

ترجمه المیزان: «(به خاطر بیاور) روزی را که از هر امتی دسته‌ای از آن‌ها را که آیه‌های ما را دروغ شمرده‌اند، محشور کنیم و ردیف شوند. و چون بیایند گوید چرا آیه‌های مرا که دانش شما به آن نمی‌رسید دروغ شمردید؟ شما چه اعمالی انجام می‌دادید.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۶۵/۱۵)

صفار زاده: «روزی که از هر امتی، گروهی برانگیزیم که نشانه‌ها و معجزات ما را تکذیب کردند، همگی در صفوفی قرار داده خواهند شد. و چون به محضر وارد شوند، خداوند به آن‌ها می‌فرماید: «چرا نشانه‌ها، آیات و معجزات مرا صرفاً به دلیل آن که علم و عقل شما به آن‌ها راه نمی‌یافت، تکذیب کردید؟ و این چه کاری بود که شما می‌کردید؟» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۹۱۲)

صفی علیشاه: «و روزی که حشر می‌کنیم از هر امتی گروهی از آن که تکذیب کرد آیت‌های ما را پس ایشان بازداشته می‌شوند تا چون آیند گویند آیا تکذیب کردید آیت‌های مرا و احاطه نکردید به آن از راه دانش آیا چه چیز بود که بودید می‌کردید.» (صفی علیشاه، ۱۳۷۸: ۵۴۴).

مکارم: «(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند، محشور می‌کنیم و آن‌ها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند. تا زمانی که (به پای حساب) می‌آیند، (به آنان) می‌گوید: «آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدد تحقیق برنیامدید؟! شما چه اعمالی انجام می‌دادید؟» (مکارم، ۱۳۷۳: ۳۸۴).



نتیجه‌گیری

با تأمل در ترجمه فارسی مترجمان مختلف قرآن کریم از آیه‌های ۸۲ و ۸۳ سوره نمل در ۴۴ ترجمه فارسی قرآن، این نتیجه حاصل شد که فقط در دو ترجمه فارسی آقایان بلاغی و فیض الاسلام اعتقاد به آموزه رجعت واضح و آشکارا بیان شده است و در یازده ترجمه دیگر همانند: (انصاریان، برزی، بروجردی و جز آنان)، افزودن قید «همه» و مترادف‌های آن به ترجمه، ناظر بودن این دو آیه به روز قیامت نزدیک‌تر است و در ترجمه الهی قمشه‌ای، گویا مترجم در پذیرش یکی از این دو وجه متردد بوده و در سی ترجمه دیگر، مانند: (آسان، آیتی، احسن الحدیث، ارفع، اشرفی، المیزان، پاینده، بیان السعادة، جاوید و جز آنها) مترجمان، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی ارائه کرده‌اند و مطلبی اضافه بر اصل آیه در ترجمه آنان قابل ملاحظه نیست که دال بر ناظر بودن این دو آیه بر آموزه رجعت یا روز قیامت باشد.

منابع و مآخذ

۱. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴)، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات سروش.
۲. الهی قمشاهی، مهدی (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن، قم: انتشارات فاطمه الزهراء.
۳. بالادستیان، محمد امین، محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان (۱۳۸۷)، نگین آفرینش، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات صدر.
۵. بلاغی، سید عبد الحجة (۱۳۸۶ق)، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: انتشارات حکمت.
۶. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۹۲)، ترجمه قرآن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۷. حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۸. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر.
۹. صفی علیشاه، حسن بن محمد باقر (۱۳۷۸)، تفسیر صفی، تهران: انتشارات منوچهری.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۲. طبیبیان، سید حمید (۱۳۶۷)، فرهنگ لاروس، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۳. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۱۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۵. فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، ترجمه قرآن، تهران: دار القرآن الکریم.
۱۶. فیض الاسلام، سید علی نقی (۱۳۷۸)، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، تهران: انتشارات فقیه.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (بی تا)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۸. معروف، یحیی (۱۳۹۱)، فن ترجمه، چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.